

دکتر گری میدورز، اول قرنطیان، سخنرانی ۱۷، پاسخ پولس به گزارش‌های شفاهی اول قرنطیان ۶: ۷-۲۰

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرنطیان است. این جلسه ۱۷، پاسخ پولس به گزارش‌های شفاهی، اول قرنطیان ۶: ۷-۲۰ است.

اکنون برگشته‌ایم تا فصل ۶ را تمام کنیم. ما به بررسی تعدادی از موارد در این فصل پرداخته‌ایم.

شاید باید کمی ذهنمان را به عقب برگردانیم تا کمی وضعیت فعلی‌مان را مرور کنیم. اما در فصل ۶، آیات ۱ تا ۶، جایی که دفعه قبل بررسی کردیم، با مشکل دعاوی حقوقی بین ایمانداران مواجه هستیم. و عبارتی وجود دارد که باید آن را ببینید.

در آیه ۳ است، جایی که پولس می‌گوید، آیا نمی‌دانید؟ و سپس برمی‌گردد و آنها را نقد می‌کند. این موضوع بارها و بارها در فصل ۶ تکرار می‌شود. در آیه ۹، آیا نمی‌دانید؟ سپس، در آیه ۱۵، آیا نمی‌دانید؟ سپس، در آیه ۱۹، آیا نمی‌دانید؟ بنابراین، در سراسر این فصل، پولس قرنطیان را با آموزه‌هایی که باید بدانند، که شاید در زمان دیگری پولس به آنها ابلاغ کرده بود، هماهنگ می‌کند. ما از قبل می‌دانیم که نامه‌ای گمشده داریم که او در مورد روابطشان با مؤمنان و گناه جنسی و کسانی که از خدا پیروی نمی‌کردند، برای آنها نوشته بود.

و بنابراین، در سراسر این فصل، او مدام به این مضمون برمی‌گردد: مگر نمی‌دانید، مگر نمی‌دانید، مگر نمی‌دانید. سپس، در آیه ۷، جایی که امروز می‌خواهیم شروع کنیم، همین واقعیت که شما در میان خود دعاوی دارید، به این معنی است که از قبل کاملاً شکست خورده‌اید. چرا به جای آن، مورد ظلم قرار نگیرید؟ بنابراین، او برمی‌گردد و بروز این مشکلات با دادگاه‌ها را یک شکست اخلاقی برای آنها می‌داند.

آنها باید فراتر از این باشند، اما در عوض، در دنیای خودشان گرفتار شده‌اند و با مشکلاتی که دارند، سعی می‌کنند آنها را با ساختارهای جهانی حل کنند نه با ساختارهای برداشت‌های مسیحی خود. سپس، در بخش آخر فصل، در واقع از ۹ تا ۱۱، او همچنان آنها را در مورد گناهان جنسی سرزنش می‌کند. سپس، در آیه او به موضوع بی‌بندوباری جنسی ادامه می‌دهد که تقریباً با فصل ۱: ۵ مطابقت دارد. من حق دارم هر ۱۲، کاری انجام دهم، و بعداً به این نوع عبارت‌پردازی برمی‌گردیم که دقیقاً چیست.

در صفحه ۷۹ از دفترچه یادداشت شماره نه، لطفاً به پایین صفحه شماره دو توجه کنید. شماره یک، ما به مسئله مشکل دعاوی حقوقی نگاه می‌کردیم. در شماره دو، پولس خاطرنشان می‌کند که دعاوی حقوقی صرفاً نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر، حتی یک نقص اخلاقی هستند.

جامعه‌ای که به هماهنگی اعتقاد دارد، باید دعاوی مربوط به خصومت‌های شخصی را از بین ببرد. قرنطیان با مشارکت خود، با اعمالشان به مشکل خود اعتراف کرده‌اند. نیاز به طرح دعوی رسمی بین مؤمنان در این زمینه، اعتراف به رفتار اخلاقی است.

با این حال، ما آن زمینه اولیه دعوی را در نظر می‌گیریم، چه با برخی موافق باشیم و بگوییم که این موضوع در حال بررسی اتفاقات بین یک مرد و نامادری‌اش در فصل ۵ است و چه اینکه این یک موضوع کلی‌تر در مورد دعاوی حقوقی باشد، به ویژه مسائل مدنی درگیری بین قرنطیان، به نوعی بی‌ربط است. از هر طرف که

بروید، این یک شکست است، یک نقص است، یک شکست اخلاقی است. این شکست اخلاقی، ناتوانی در عمل کردن بر اساس ارزش‌های کتاب مقدس است.

به یاد داشته باشید، این دستور در فرهنگی داده شده است که ساختارهای آن آشکارا زندگی بر اساس کتاب مقدس را دشوار می‌کند. این ساختارها مغایر با روشی هستند که مسیحیان باید مشکلات و مسائل خود را بین خود حل کنند. در اینجا چند نتیجه‌گیری اولیه در این مرحله آورده شده است. این موضوع کمی تکراری از دفعه قبل خواهد بود، اما در اینجا به انتهای صفحه رسیده‌ایم.

مقایسه بین دادگاه‌های رومی و آمریکایی، برای مثال، دادگاه‌های آمریکایی، بیشتر مبتنی بر قیاس هستند تا اینهمانی. آنها یکسان نیستند. شما نمی‌توانید ۶ کارت سفید قرن‌تین را بگیرید و آن را در مورد مسائل موجود در سیستم دادگاه‌های ایالات متحده به کار ببرید، و این احتمالاً در مورد دادگاه‌هایی که در آن زندگی می‌کنید نیز صادق است.

علاوه بر این، مسائل مطرح شده در اول قرن‌تین احتمالاً مربوط به حقوق مدنی و نه حقوق جزا بوده است. بنابراین، صرف نظر از هر قیاسی که وجود داشته باشد، این عرصه، اختلافات انسانی است، نه فعالیت‌های مجرمانه. علاوه بر این، دادگاه‌های رومی بر اساس جایگاه اجتماعی عمل می‌کردند.

دادگاه‌های ایالات متحده طوری طراحی شده‌اند که منصفانه باشند و به هیچ چیز دیگری جز این واقعیت که پول، دفاع بهتر یا پیگرد قانونی بهتر را می‌خرد، مربوط نمی‌شوند. علاوه بر این، دادگاه‌های ایالات متحده، به موجب جامعه ما، از بسیاری جهات ضروری هستند. به عنوان مثال، تعیین مرزهای املاک مورد اختلاف نیاز به یک روند قانونی دارد.

این نیرو شامل عدالت، حضانت فرزندان، صداقت و عملکرد در ازای دستمزد است؛ یعنی کسی کاری را برای شما انجام می‌دهد اما آن را تمام نمی‌کند. در حوزه کالاها و خدمات و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های تجاری، شرکت‌های بیمه، همانطور که اشاره کردیم، با مسائلی که به شما مربوط می‌شود، حتی بدون اجازه شما سروکار دارند. در حالی که عدالت ممکن است تحت تأثیر پول برای نمایندگی مهارت در دادگاه‌های آمریکا قرار گیرد و شخصیت اغلب به عنوان بخشی از این فرآیند مورد حمله قرار می‌گیرد، اما هنوز یک زمینه دادرسی آزردهنده و مبتنی بر جایگاه اجتماعی نیست.

بنابراین، ما در دادگاه روم زمینه‌ای داریم و در فرهنگ خودمان نیز مسائلی داریم و نمی‌توانیم از رومیان ۶ بخشید، اول قرن‌تین ۶ به عنوان متنی برای اثبات این که هرگز نباید در فرهنگ آمریکایی از قضاوت استفاده کنیم، استفاده کنیم. باید مراقب باشیم که این متن را به طور تصادفی و اشتباه به کار نبریم. نصیحت پولس مبنی بر اینکه بهتر است اشتباه کنیم تا اینکه باعث شرمساری جماعت شویم، هنوز باید مورد توجه قرار گیرد.

همانطور که گارلند اشاره می‌کند، حتی بت‌پرستان نیز برای این واقعیت ارزش قائلند که یک مرد خردمند گاهی اوقات آسیب را نادیده می‌گیرد. در عین حال، نباید فرض کنیم که این متن با توجه به فرهنگ‌ها و سیستم‌های دادگاهی مختلف، یک متن تجویزی است. منظور من از این حرف چیست؟ وقتی کتاب مقدس را می‌خوانیم، یا چیزی را برای ما توصیف می‌کند یا چیزی را برای ما تجویز می‌کند.

متون توصیفی زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که به مسائلی مربوط می‌شوند که در یک زمان و مکان خاص اتفاق می‌افتند، اما بیان این مطالب نباید به معنای تجویز همان نوع اقدامات در زمان و مکان خودمان تلقی شود. ما باید تصمیم بگیریم که آیا هر متن کتاب مقدس توصیفی است. آیا آنچه را که اتفاق افتاده

توصیف می‌کند یا تجویزی است؟ این به معنای تجویز کاری است که اکنون باید انجام دهیم. اول قرن‌تین ۶ یک متن توصیفی است.

مطمئناً عناصر تجویزی وجود دارد، و آن این است که این امر ترجیح می‌دهد به جامعه ظلم شود تا اینکه باعث آسیب شود. همه در برهه‌ای از زمان در چنین شرایطی بوده‌اند، اما این بدان معنا نیست که این متن باید برای دستکاری افراد استفاده شود تا از استفاده از یک فرآیند قضایی برای حل برخی مسائل فرهنگی، برخی مسائل حقوقی در فرهنگ آمریکایی، صرفاً به این دلیل که آن را در اول قرن‌تین ۶ می‌یابیم، منصرف شوند. این دو با هم یکسان نیستند. بنابراین مراقب باشید که چگونه تصمیم می‌گیرید از این متن استفاده کنید.

از آن به عنوان چماق یا اهرم استفاده نکنید، بلکه از آن به عنوان یک مسئله قیاسی استفاده کنید و اینکه اگر واقعاً سیستم حقوقی سر راه ما قرار گیرد، باید در برخی جنبه‌ها مراقب باشیم. سوم، پولس در آیات ۶، ۹ تا ۱۱ به جایگاه مسیحیان در مسیح به عنوان دلیلی برای رفتار بهتر استناد می‌کند. او در آیه ۹ می‌گوید، این عبارت دوباره آمده است: آیا نمی‌دانید که خطاکاران وارث پادشاهی خدا نخواهند بود؟ فریب نخورید. نه زناکاران، نه بت‌پرستان، نه زناکاران، نه مردانی که با مردان رابطه جنسی دارند، نه دزدان، نه طمع‌کاران، نه شرابخواران، نه تهمت‌زنندگان و نه کلاهبرداران وارث پادشاهی خدا خواهند بود.

به عبارت دیگر، آنها نمی‌توانند به این شکل عمل کنند و انتظار داشته باشند که خدا آنها را توجیه کند. و این همان چیزی است که برخی از شما بودید. حال، این یک جمله بسیار مهم است.

برخی از شما اینگونه بودید، اما اکنون به نام خداوند عیسی مسیح و به واسطه روح خدا شسته شده، تقدیس شده و عادل شمرده شده‌اید. در نتیجه، پولس از آنها انتظار سبک زندگی بهتر و تصمیمات بهتری نسبت به آنچه که در روابطشان با یکدیگر به تصویر می‌کشیدند، داشت. بیایید فقط به چند مورد از جزئیات در آیات ۹ تا ۱۱ نگاهی بیندازیم.

پولس چیزی را ارائه می‌دهد که به عنوان فهرست رذایل شناخته می‌شود. من قبلاً این را به شما گفته‌ام و فقط برای اظهار نظر به آن برمی‌گردیم. فهرست‌های زیادی وجود دارد که ما آنها را فهرست‌های فضیلت و رذیلت می‌نامیم.

این موارد خارج از کتاب مقدس نیز صادق بودند. افلاطون و دیگر نویسندگان یونانی فهرست‌هایی از فضایل و رذایل داشتند. این فهرست‌ها در زمان کتاب مقدس نیز وجود داشتند.

کتاب مقدس فهرست فضایل و رذایل خاص خود را دارد. این شیوه‌ای است که باید زندگی کنید، نه شیوه‌ای که باید زندگی کنید. احتمالاً مشهورترین فهرست فضیلت و رذایل، میوه روح است، فهرستی از فضایل برای جامعه تا به شیوه‌ای خاص زندگی کند.

اعمال نفس در غلاتیان ۵، متن معروف، اعمال نفس فهرستی از رذایل است. مؤمنان اینگونه زندگی نمی‌کنند. بنابراین، فضیلت، رذیلت است.

حالا ما یک فهرست رذایل داریم. او به آنها می‌گوید که این نوع سبک زندگی، که مطمئناً چیزی بود که قرن‌تین به آن پایبند بودند، قابل قبول نیست. ناصالح بودن، ناصالح بودن به معنای نقض اراده آشکار خداست.

درست انجام دادن یا ندادن کار درست. غیراخلاقی جنسی، پورنوگرافی، بت‌پرستان، زناکاران، مویکوی همجنس‌گرایی، و برای این منظور از دو کلمه استفاده می‌کند که در اینجا به آنها اشاره خواهیم کرد. و فکر می‌کنم احتمالاً باید در مورد این موضوع نظر بدهیم.

نمی‌خواهم از بحث اصلی منحرف شوم. می‌توانیم در مورد مسئله‌ی همجنس‌گرایی بحث مفصلی داشته باشیم، اما من این کار را نمی‌کنم. فقط به چند نکته اشاره می‌کنم و شما را به جایی راهنمایی می‌کنم که در صورت نیاز به مطالعه در این زمینه، بتوانید از آنجا کمک بگیرید.

در این برهه، دو اصطلاح پدیدار می‌شوند که در مباحثات همجنس‌گرایانه امروزی بسیار مورد بحث هستند. در قرن اول میلادی این دو اصطلاح مورد بحث نبودند. مردم می‌دانستند منظورشان چیست.

آنها را به عنوان ESV توجه کنید که نسخه‌های انگلیسی چگونه این اصطلاحات را تفسیر می‌کنند. نسخه آنها را ارائه می‌دهد، ارائه می‌دهد، نشان می‌دهد که دو NIV یک واحد ترکیب می‌کند در حالی که نسخه می‌کند. نسخه کینگ جیمز می‌گوید، نه NIV را در آن موقعیت خاص پویاتر از ESV اصطلاح وجود دارد که زن‌آزار و نه سوءاستفاده‌گر از خود با بشر.

واژه‌ی «زنانه» همجنس‌گرایی را به ویژگی‌های زنانه نسبت می‌دهد، در حالی که سوءاستفاده‌کنندگان از خود نه مردانی که همجنس‌گرایی می‌کنند. این دو اصطلاح را در، ESV، و بشریت، به ویژگی‌های مردانه اشاره دارند. این عبارت هم‌تراز می‌کند.

اصلی، نه روسپی‌های مرد و نه مجرمان همجنس‌گرا. انگار یکی مترقی است و دیگری برای آنها رایج‌تر NIV. سال ۲۰۱۱ آن را طور دیگری ترجمه کرده است NIV نکته جالب این است که

ما بارها با این موضوع مواجه شده‌ایم، و فکر می‌کنم شما هم کم کم به آن عادت می‌کنید، و وقتی از کتاب مقدس انگلیسی استفاده می‌کنید، ضروری می‌شود که دائماً برخی از این نسخه‌های اصلی را با هم مقایسه کنید. حتی نسخه ۲۰۱۱ هم آن را تغییر داد، و شاید به شیوه‌ای بهتر، اما در واقع نمایانگر همان چیزی است که نسخه اصلی گفته بود. نسخه اصلی دو چیز به آن داده بود، نه فاحشه‌های مرد، و نه مجرمان همجنس‌گرا.

آن را به یک، ESV، در حالی که نسخه ۲۰۱۱ می‌گوید، مردانی که با مردان رابطه جنسی دارند. تقریباً مانند سطح کاهش داد. هورسلی، که مفسر این متن در قرن‌تین است، وضعیت دوگانه دیگری را ارائه می‌دهد، نه خودارضایی‌کنندگان و نه فاحشه‌های مرد.

نکته این است که ما دو اصطلاح داریم. هر دو در مورد حوزه همجنس‌گرایی با مردان صحبت می‌کنند و ما معمولاً از آن کلمه استفاده می‌کنیم. در مورد زنان، ما از همجنس‌گرایی برای لژیون‌ها استفاده می‌کنیم.

اما وقتی فقط می‌گویید همجنس‌گرایی، ما معمولاً در مورد مردان صحبت می‌کنیم. و بنابراین می‌بینیم که این اصطلاحات در اینجا استفاده می‌شوند. وینر خاطر نشان می‌کند که تطبیق این دو اصطلاح با توجه به کاربرد رومی و مشاهدات، و حالا ضمناً، می‌توانید آن کلمه یونانی را حذف کنید زیرا کلمه اشتباه است، کلمه‌ای که باشد، که اولین از دو اصطلاحی است که در مورد آن صحبت malakoi آنجاست کلمه زنا است، اما باید می‌آید و malicus می‌کنیم، می‌آید، و همانطور که می‌بینید، ترجمه آن نیز وجود دارد، این اصطلاح از لاتین ممکن است نشان دهنده یک عمل همجنس‌گرایانه باشد که طبق قانون روم مجاز نبود، یعنی دخول شهروندان مرد رومی.

در این مورد، پولس دو سطح از همجنس‌گرایی را ممنوع می‌کند و مجوز قانون روم را تضعیف می‌کند؛ یعنی نفوذ مردان غیر رومی در آداب و رسوم نخبگان مجاز بود. همجنس‌گرایی در قرن اول میلادی بسیار شایع بود، بسیار بیشتر از آنچه حتی در فرهنگ آمریکایی امروز وجود دارد. در طول دهه گذشته، جامعه

همجنس‌گرایان از اهمیت سیاسی زیادی برخوردار شده و از حقوق انسانی خاصی برخوردار شده است که ممکن است اشتباه نباشد.

آنها هنوز انسان هستند و هنوز در فرهنگ آمریکایی زندگی می‌کنند، فرهنگی که افراد را به این شکل قضاوت نمی‌کند، اما وقتی آن را به فرهنگ کلیسا وارد می‌کنید، چیز متفاوتی است. این چیزی نیست که مجاز باشد این یک آموزه ثابت کتاب مقدس است که از لایوان ۱۹ تا رومیان و اینجا در اول قرن‌تین آمده است.

وینتر نشان می‌دهد که چگونه اصطلاح اول پس از ترک قرن‌تس توسط پولس، برای نشان دادن همجنس‌گرایی منفعل در صفحات ۱، ۱۶ و ۱۷ کتابش توسعه یافت و اصطلاح دوم ابداع شده از ترجمه هفتادگانی لایوان توسعه یافت و نشان‌دهنده همجنس‌گرایی فعال بود. همانطور که می‌بینید، این اصطلاحات یک پروژه ۱۸ اعتبارسنجی بزرگ هستند و هر کسی که قصد دارد مسائل همجنس‌گرایی را در آن زمان و اکنون به طور جدی مطالعه کند، باید با این اصطلاحات سر و کار داشته باشد. اگر این کاری است که باید انجام دهید یا مایل به انجام آن هستید، پیشنهاد می‌کنم در صفحه ۸۱، مفصل‌ترین بررسی مسائل همجنس‌گرایی در یک مکان این روزها با رابرت ای. جی. گانون انجام شده است.

او کتابی با عنوان «کتاب مقدس و عمل همجنس‌گرایانه» نوشته است که توسط انتشارات آبینگتون منتشر شده است. او یک وب‌سایت بسیار فعال دارد و اگر به هر دلیلی در مورد این بحث خاص نیاز به مطالعه یا کمک دارید، این اولین جایی است که باید به آن مراجعه کنید. برای پرداختن به این موضوع که چگونه برخی از محققان کتاب مقدس این موضوع را به عنوان یک انتخاب مطرح می‌کنند، کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد.

کانتریمین و همچنین رایین اسکراگز دو فردی هستند که رویکرد مثبت‌تری به همجنس‌گرایی دارند. زوندروان نیز اخیراً کتابی در مورد دیدگاه‌هایش منتشر کرده است. جالب اینجاست که مثلاً ده سال پیش آنها این کار را نمی‌کردند، چون من در واقع به یکی از دوستان ویراستارم پیشنهاد داده بودم که کتابی در مورد این موضوع بنویسد، اما آنها در آن زمان برای این کار آماده نبودند.

اما اخیراً اینجا، کتابی در مورد دیدگاه‌ها در مورد همجنس‌گرایی منتشر شده است، و من فکر می‌کنم رایین اسکراگز، من آن نسخه را ندارم که اینجا با شما به اشتراک بگذارم، من معتقدم او کسی است که دیدگاه موافق را می‌نویسد. بنابراین این یک مسئله مهم است که روی میز گذاشته شده است، اما برای ما در حال حاضر، پولس می‌گوید که برخی از شما اینطور بودید. بنابراین، این یک تأیید نیست؛ این به رسمیت شناختن چیزی است که در قرن‌تس رومی وجود داشته است، و پولس می‌گوید که شما قبلاً اینگونه بودید، اما آیا نمی‌دانید که نباید اینطور باشید، و در واقع با تغییر دین خود از آن بیرون آمدید؟

بنابراین، حتماً افرادی در تمام سطوح در جامعه رومی مسیحی شده‌اند. اجازه دهید فقط یک نکته را اینجا بگویم. امروزه دو مسئله جنسی عمده وجود دارد که در ایالات متحده و احتمالاً در سایر نقاط جهان به شدت مورد بحث قرار می‌گیرد.

یکی از آنها تمام جنبه‌ها و سطوح همجنس‌گرایی است. این موضوع خاص چنان به طور کامل در کتاب مقدس مورد بحث قرار گرفته و به طور مداوم در جهان بینی یهودی-مسیحی، در جهان بینی کتاب مقدس غیرقابل قبول تلقی شده است که تقریباً نیازی به توضیح ندارد، اما چیزی است که بسیار مورد بحث قرار گرفته است. آموزه‌ای در کتاب مقدس که نسبت به همجنس‌گرایی به عنوان یک سبک زندگی قابل قبول منفی است، یک آموزه مستقیم است.

شکی در آن نیست. برخی می‌توانند سعی کنند آن را تحریف کنند، اما همین است. این یک نوع بطن‌گویی هرمنوتیکی است.

اما مسئله‌ی دومی هم وجود دارد که از بسیاری جهات دشوارتر است. به آن مسئله‌ی تراجنسیتی می‌گویند این احتمالاً به چالش‌برانگیزترین مسئله در بحث فعلی تبدیل شده است و مسیحیان با این مسئله‌ی تراجنسیتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در کتاب مقدس هیچ متنی به خودی خود مانند متنی که در مورد همجنسگرایی وجود دارد، وجود ندارد که در اینجا به ما کمک کند. کتاب مقدس هرگز به این سوال فکر نکرده است. در یک مقطع از عهد عتیق وقتی گفته شد که مرد نباید لباسی را بپوشد که مربوط به مردان است، عذرخواهی می‌کنم، برعکس، زن نباید لباسی را که مربوط به مردان است در تنه بپوشد، به تراجنسیتی‌ها فکر کرده است.

این متنی علیه تراجنسیتی‌گرایی است. با این حال، به این موضوع تراجنسیتی پرداخته نشد زیرا چیزی نبود که کلیسا یا محیط یهودی به اندازه کافی آن را برجسته کرده باشد تا در کتاب مقدس باشد. نه اینکه در بعضی جاها وجود نداشته باشد، اما مطمئناً مانند امروز با انواع پیشرفته پزشکی و جراحی‌ها و غیره نیست.

بنابراین، شما باید به مفاهیم ضمنی بپردازید، و من فکر می‌کنم مفاهیم ضمنی زیادی در مورد اینکه الگو و ساختارهای خلاقانه خدا برای پاسخ به مسئله تراجنسیتی چیست، وجود دارد. من چند سال پیش کتابی را با زوندروان ویرایش کردم به نام «حرکت فراتر از کتاب مقدس به الهیات». «دلیل این عنوان این است که من نویسندگانی را که دیدگاه‌های مختلف یا حداقل دیدگاه‌های متنوعی در مورد کاری که وقتی کتاب مقدس متن اثباتی برای چیزی به شما نمی‌دهد، داشتند، جمع کردم. وقتی هیچ آموزش مستقیمی در کتاب مقدس وجود ندارد، چه می‌کنید؟ خب، شما باید از کتاب مقدس و جهان‌بینی کتاب مقدس خود استفاده کنید تا یک آموزش منسجم و قانع‌کننده در مورد این موضوع را به روشی منسجم ارائه دهید.

این چیزی است که باید در مورد تراجنسیتی‌ها اتفاق بیفتد. ون هوسر، که یکی از فصل‌های آن جلد از کتاب زوندروان را نوشته است، یکی از کتاب‌های دیدگاهی است که ما آن را در مجموعه‌ی «کانترپوان» می‌نامیم چهار دیدگاه برای حرکت فراتر از کتاب مقدس به الهیات. «ون هوسر در فصل خود به این موضوع» پرداخته است، بنابراین اگر حداقل به یک جایی نیاز دارید که بتوانم شما را برای بررسی بحث تراجنسیتی‌ها بفرستم، اگر به کمک نیاز دارید.

یک نکته دیگر هم اینجا بگویم. نمی‌خواهم خیلی از موضوع دور شوم. می‌دانید که من گاهی دنبال خرگوش می‌دوم، همانطور که ما به آن می‌گوییم، اما می‌خواهم این را بگویم وقتی با این ادعاها روبرو هستید که من به این شکل متولد شده‌ام، همجنس‌گرا یا از نظر جسمی مرد به دنیا آمده‌ام، اما واقعاً معتقدم که زن هستم یا برعکس.

من فکر می‌کنم مسیحیان باید برای لحظه‌ای به عقب برگردند و متوجه شوند که رویدادی که در پیدایش ۳ به نام هبوط، زمانی که آدم و حوا گناه کردند، در یک روایت متا-روایت کتاب مقدس، در یک جهان‌بینی کتاب مقدس، هبوط همه چیز را تغییر داد. در پیدایش شرح داده شده است که ناگهان، به جای داشتن یک باغ زیبا، علف‌های هرز و خار خواهید داشت. یک زن با مشکلات وحشتناکی در زایمان مواجه خواهد شد.

این فقط نمونه‌ی کوچکی از این واقعیت است که وقتی هبوط رخ داد، جهان را به هم ریخت. بنابراین، رک و پوست کنده، غیرقابل تصور نیست که کسی بتواند بگوید، می‌دانید، از همان روزهای اول، من این گرایش‌ها شما توسط یک دنیای گناهکار به هم DNA. کاملاً ندارید DNA را داشتم زیرا، رک و پوست کنده، شما ریخته است.

از این نظر، این یک مسیر جالب است، و از آنچه در بحث‌ها می‌بینم، یک مسیر استفاده نشده است. ما باید بیشتر در مورد اینکه چگونه مسائل مربوط به انحراف از جهان‌بینی هنجاری کتاب مقدس در جهان اینقدر مکرر و رایج به نظر می‌رسد، صحبت کنیم. و برخی افراد ادعا می‌کنند که اینگونه است.

ما باید این را در بحث‌ها دخیل کنیم. و من فقط پیشنهاد می‌کنم که در مورد چگونگی انجام این کار فکر کنید. این فهرست ادامه دارد.

دزد، حریص، شرابخوار، فحاش، کلاهبردار. و با این حال شما شسته شدید، تقدیس شدید، عادل شمرده شدید. هیچ ترتیب خاصی از این سه‌گانه، یعنی عادل شمرده شدن، نباید قبل از تقدیس شدن بیاید.

اما واقعیت این است که این یک روش رستگاری‌بخش برای بیان این است که خدا ناجی شما شد و شما به معنای کتاب مقدس آن، یکی از فرزندان خدا شدید. ضمناً، من نظرم این است که کتاب مقدس دوست دارد از سه استفاده کند. می‌توانیم به جاهای زیادی نگاه کنیم.

ایمان، عشق و امید. شستشو، تقدیس، توجیه. این یک الگوی ادبی بود، به ویژه در عهد جدید، که از سه به عنوان بیان کامل چیزی استفاده شود.

در حال حاضر نمی‌توانم از بحث اصلی منحرف شوم، اما همین الان متوجه آن شدم. بسیار خوب، این ما را به آیات ۱۲ تا ۲۰ می‌رساند که دارد به پایان می‌رسد. انتهای دیگر کتاب، فصل ۵ و آیات ۱ تا ۸، به ویژه یا تمام فصل ۵ است. و ما مشکلات جنسی، دعاوی حقوقی، مسائل جنسی داشتیم. بنابراین به آن تبدیل می‌شود، و همانطور که تالبرت پیشنهاد داده بود، می‌شود و شما آنها را در وسط صفحه ۸۱ دارید، یک تقاطع، مشکلات جنسی، فصل ۵، دعاوی حقوقی، ۶.۱ تا ۱۱، و دوباره به مشکلات جنسی در ۶.۱۲ تا ۲۰ برمی‌گردیم.

بنابراین، او آن را به عنوان حاشیه‌ای در این مورد می‌بیند، و به همین دلیل است که وقتی به ۶:۱۲ می‌رود موضوع را تغییر نمی‌دهد، اما آن را به تأمل در مورد آنچه که آنها در فصل ۵ شروع به صحبت در مورد آن کردند، برمی‌گرداند. ببخشید، من امروز به دلایلی خیلی خشک هستم، معمولاً در فلوریدا خشک نیست، اما به آب بیشتری نیاز دارم. این پاراگراف آخر در بخش فصل‌های ۵ و ۶ با ابتدای فصل ۵ مطابقت دارد محتوا به وضوح در مورد رابطه جنسی نامشروع است، اما این در متن به چه معناست؟ چندین سناریو در اینجا وجود دارد. آیا مشکل، نکته اول، صرفاً موضوع عقل‌گرایی خلاقانه برای پی‌بندوباری جنسی از سوی برخی از مردان قرن است؟ وقتی آنها این جمله را می‌گویند، من حق دارم هر کاری انجام دهم.

این بخش آخر را شروع می‌کند. آیا این صرفاً نوعی توجیه است که می‌گویند من به عنوان یک مسیحی آنقدر آزاد هستم که آزادم کارهایی را انجام دهم که حتی رومی‌ها هم نمی‌توانند انجام دهند؟ این یک راه برای نگاه کردن به آن است، ادعا می‌کنند که همه چیز برای آنها قانونی است، استفاده از همه چیز قانونی به عنوان نوعی آزادی مسیحی خارج از کنترل. یا مشکل، گلوله دوم، بار دیگر به توجیه خاص نخبگان گره خورده است؟ کسانی که جایگاه اجتماعی دارند و اعمال آزادی آن جایگاه، که حرف وینتر بوده است.

یا اینکه مشکل، سوماً، انعکاسی از زنای با محارم پسر با نامادری‌اش است؟ همه چیز قانونی است؟ من می‌توانم این کار را انجام دهم؛ من یک مسیحی هستم و آزادم. یا اینکه این یک پاراگراف انتقالی است که فصل‌های ۵ و ۶ را به نحوی موضوعی با سوالات کتبی ۷:۱ که با مسائل جنسی شروع می‌شود، مرتبط می‌کند. فصل ۷ نیز فصل بزرگی در مورد مسائل جنسی است.

و با این حال، به نظر می‌رسد که آیه ۷:۱ از آیات ۵ و ۶ جدا می‌شود، زیرا ۵ و ۶ درباره شایعات هستند، ۷:۱ سوالات هستند، و در عین حال، سوالات به احتمال زیاد از شایعاتی که پولس قبلاً شنیده بود، نوشته شده‌اند. آثار گارلند اغلب فاقد توجه کافی به بازسازی‌های وینتر است، که این یکی از انتقادات من به گارلند است. وینتر تنها نویسنده‌ای است که قرن‌تس روم و زمینه قرن‌تس را به عنوان یک مستعمره رومی به طور کامل در تفسیر اول قرن‌تس به تصویر کشیده است.

به نظر نمی‌رسد بسیاری از مفسران چنین درکی داشته باشند. بروس وینتر یک محقق کلاسیک و یک محقق کتاب مقدس است، و با این حال پیشینه کلاسیک او، او را به حوزه‌هایی از دانش می‌رساند که به نظر نمی‌رسد برخی از نویسندگان عهد جدید، صرف نظر از میزان مهارتشان، به آن دسترسی داشته باشند. همچنین می‌تواند از نظر گارلند به زمان انتشار نیز مربوط باشد.

کتاب گارلند که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، احتمالاً بیش از یک سال زودتر از آن تاریخ خاص ارائه شده است؛ از آنجایی که در واقع در دهه ۹۰ تا آن زمان نوشته شده است، می‌تواند در پایان سال ۲۰۰۲ باشد زیرا ناشران گاهی اوقات پیش‌بینی می‌کنند. اثر وینتر در آن زمان آنقدر جدید بوده که برای گارلند دشوار بوده است که آن را کاملاً در نظر بگیرد، اما چنین چیزی وجود ندارد. برخی می‌گویند آموزه اخلاقی پاراگراف‌های ۱۲ تا ۲۰ از جزئیات تاریخی فراتر می‌رود، اما دانستن اینکه چه زمینه‌های تاریخی در ارتباط دادن جزئیات متن وجود دارد، مهم است.

و این یکی از مشکلات خواندن کتاب مقدس و درک زمینه آن است. می‌دانید، ما همیشه صحبت می‌کنیم، و شما باید کتاب مقدس را در چارچوب آن بخوانید.

من این را از مردم می‌شنوم، و آنها رویشان را برمی‌گردانند و هیچ ایده‌ای ندارند که این یعنی چه. در این دوره من سعی می‌کنم شما را با زمینه، با مفهوم متن، آشنا کنم. احتمالاً چیزهایی در مورد فصل‌های ۵ و ۶ شنیده‌اید که قبلاً هرگز نشنیده‌اید، زیرا هرگز در مورد زمینه رومی چیزی نشنیده‌اید.

و با این حال، همزمان، در مسیحیت تمایل زیادی به اخلاقی کردن کتاب مقدس وجود دارد، زیرا می‌توانید این آیات را بخوانید و تقریباً بلافاصله آنها را با فرهنگ خود، کلمات مربوط به فرهنگ خود، اما نه لزوماً با زمینه فرهنگ خود، تطبیق دهید. ما باید بسیار مراقب باشیم که فقط متن را اخلاقی نکنیم. متن معنایی داشته است، و ما باید به آن برسیم تا پاسخی مشروع به معنای آن در شرایط فعلی خود داشته باشیم.

بنابراین، معنای آن در زمان پولس مسئله است، نه فقط یک معنای اخلاقی کلی که بسیاری امروزه آن را به آن نسبت می‌دهند. ما به برخی ویژگی‌های تاریخی نیاز داریم. من فکر می‌کنم زمستان به ویژه این ویژگی را به بسیاری از این متون می‌بخشد.

در ۶:۱۲، همانطور که اکنون به پاراگراف نگاه می‌کنیم، نقل قول و نقد پولس از چیزی که به نظر می‌رسد شعار قرن‌تس باشد. این بار یک نمودار به شما داده‌ام. باید نمودارهای بیشتری به شما می‌دادم و حتی کار را برای خودم آسان‌تر می‌کردم، زیرا وقتی من گوینده اصلی هستم، طبقه‌ای از افراد را ندارم که آنجا بنشینند و بتوانیم کتاب مقدس را با هم بخوانیم و آن مطالب را روی تخته بنویسیم و در مورد آن فکر کنیم.

همه چیز برای ESV، خوب، من به نمودارهای بیشتری برای شما نیاز دارم، اما حداقل اینجا یک نمودار داریم. نسخه اصلی، NIV، من حلال است.

از وقتی که سال ۲۰۱۱ را اینجا دارم، همه چیز برای من مجاز است. من حق دارم هر کاری انجام دهم. من حق دارم هر کاری انجام دهم.

هست که می‌خواهم بهتون بگم NIV 2011 این یه روش جالب برای بیانش هست. به چیز دیگه هم در مورد اصلی مجازه NIV اگه توجه کرده باشید، نوشته که همه چیز برای من در

قانون ۲۰۱۱ می‌گوید من حق دارم هر کاری انجام دهم. این تقریباً به این معنی است که همه چیز مجاز است. اما اینجا چیزی وجود دارد که وجود ندارد و چیزی است که در متن یونانی نیست اما برای کمک به ظرافت متن آورده شده است.

به این گوش کن. من حق دارم هر کاری بکنم. و این توی گیومه است.

شما می‌گویید. به عبارت دیگر، پولس همان چیزی را به آنها می‌گوید که آنها می‌گویند. پولس می‌گوید، نقل قول می‌کنم، شما می‌گویید که حق دارید هر کاری انجام دهید یا حق دارید هر کاری انجام دهید

کاملاً روشن کرده است که این چیزی است که آنها می‌گویند، به این معنی که NIV شما می‌گویید. بنابراین آنها آن را به عنوان یک شعار در نظر گرفته‌اند، که پولس قرار است آن را نقد کند. این چگونه یک شعار است؟ ما باید بیشتر در مورد آن صحبت کنیم.

چهار بار در ۶:۱۲، این اتفاق دو بار در ۶:۱۲ رخ می‌دهد. همه چیز برای من حلال است، اما همه چیز مفید نیست. پولس برمی‌گردد و می‌گوید، همه چیز برای من حلال است، اما پولس برمی‌گردد

من برده هیچ چیز نخواهم شد. این در آیه ۱۰:۲۳ نیز آمده است. همه چیز حلال است

بنابراین، این عبارت در فصل ۱۰ دوباره مطرح خواهد شد، اما همه چیز مفید نیست. و شما شاهد یک چیدمان بسیار مشابه با آنچه که من اینجا به شما ارائه دادم، خواهید بود. بیایید در مورد این شعار فکر کنیم.

من آن را یک شعار قصارگونه نامیدم، که فقط به این معنی است که یک عبارت بسیار کوتاه است. اول قرن‌تین ۶:۱۲، همه چیز برای من حلال است. ۱۰:۲۳، همه چیز حلال است

یونانی در آن دو مورد فقط کمی متفاوت است. هیچ چیز، هیچ رازی وجود ندارد. هیچ چیز که معنای آن را از یونانی آشکار کند، وجود ندارد.

فعل را می‌توان به صورت «قانونی» یا «مجاز» ترجمه کرد. این یک فعل بسیار رایج است که در زبان انگلیسی گفته می‌شود.

برای ایده جواز، می‌توانید اعمال رسولان و دوم قرن‌تین را مقایسه کنید - مشروع یا مجاز، نه 10 سنت تفاوت، در این زمینه. مورفی اوکانر همچنین ادعا می‌کند که طبق آیه 6:18، هر گناهی که انسان مرتکب می‌شود خارج از بدن است، به عنوان یک شعار، و این می‌تواند در خود متن نقش داشته باشد.

خب، ماجرای عبارت «همه چیز رواست» چیست؟ خب، دو دیدگاه وجود دارد. دو راه برای دیدن این موضوع وجود دارد. اول از همه، یک ج. آیا پولس شعار کلی آزادی را که قرن‌تین به عنوان یک اصل انتزاعی استفاده می‌کردند، نقل و نقد می‌کند؟ این بدان معناست که پولس از این شعار قرن‌تین به عنوان یک ابزار بلاغی استفاده می‌کرده است.

آیا این عبارت که «آیا همه چیز حلال است» یا «همه چیز مجاز است» مشروعیتی داشت؟ اگر این فقط یک گفته کلی است که از آزادی مسیحی تازه کشف شده آنها به طرق خاصی ناشی شده و اکنون به اشتباه در حوزه‌های جنسی خاصی اعمال می‌شود، می‌بینید، این یک راه برای نگاه کردن به آن است. آیا این فقط یک شعار کلی است که آنها استفاده می‌کردند؟ پولس چگونه با آن شعار ارتباط برقرار می‌کند؟ آیا او این شعار را در هر سطحی می‌پذیرد؟ در این دیدگاه اول، این یک سوال مشروع است. اگر این مورد باشد، در این دیدگاه اول، یک شعار کلی، تمرکز ما بر این است که توضیح دهیم چگونه پولس می‌تواند با ایده آنها مبنی بر اینکه همه چیز حلال است، اینقدر ملایم باشد.

دوباره، اگر فصل ۵ را در نظر بگیرید، جایی که پسرخوانده به همراه نامادری‌اش، که فردی نخبه است، از این حکم استفاده می‌کنند که همه چیز قانونی است تا اعمال خود را توجیه کند. و هم قانون رومی و هم قانون اخلاقی ظاهراً مسیحی را دور بزنند. اگر چنین باشد، فرض بر این است که محتوای همه چیز محدود به حوزه‌هایی است که توسط احکام اخلاقی تصریح نشده‌اند.

به عبارت دیگر، هرگز چیزی به عنوان «همه چیز قانونی است» وجود نخواهد داشت، زیرا همه چیز قانونی نیست. قتل قانونی نیست. طمع قانونی نیست.

همینطور، می‌توانید با سلب‌های واضح و ایجاب‌های واضح پیش بروید. بنابراین، اگر اصلاً شعار باشد، یک شعار مطلق نیست، اما می‌تواند یک شعار، یک شعار کلی، در چارچوب اصلی باشد. فرض بر این است که چارچوب همه چیز محدود به حوزه‌هایی است که توسط احکام اخلاقی تصریح نشده‌اند.

و واضح است که ما در این زمینه در مورد احکام اخلاقی صحبت می‌کنیم. بنابراین، این خیلی خوب جواب نمی‌دهد، نه؟ پولس آزادی مسیحی را در مقابل دوست داشتن خود-محدودیتی برای خیر دیگران تعدیل می‌کرد. این توضیح رایج است.

به عبارت دیگر، شعار کلی. این یک قرائت رایج در بین مفسران عهد جدید است. می‌توانید به بیشتر تفاسیر نگاه کنید و این مفهوم را بفهمید.

همانطور که گارلند بیان می‌کند، دیدگاه غالب این است که این ضرب‌المثل، یعنی شعار «همه چیز برای من مجاز است»، توسط آزاداندیشان قرن بیستم برای تأیید رفتار غیراخلاقی خود استفاده می‌شد. البته آنها این کار را اشتباه انجام می‌دادند، اما همچنان از آن طوری استفاده می‌کردند که انگار این روش جدید مسیحی است. گارلند عاقلانه این دیدگاه را رد می‌کند، اما چنین است و به نوعی یک دیدگاه رایج بوده است.

چرا این کتاب محبوب بوده است؟ فکر می‌کنم به این دلیل است که بسیاری، حتی مفسران پیشرفته، به اندازه کافی با چگونگی زندگی قرن بیستم در روم آشنا نیستند. و من در ادامه بیشتر در مورد آن صحبت خواهم کرد. در کنار این متن، این ایده وجود دارد که آیات 12 تا 20 از باب 6، انتقاد پولس از سهل‌انگاری قرن بیستمی‌ها در قبال معاشرت با فاحشه‌ها است، هرچند که این سهل‌انگاری در بافت فرهنگی آنها توجیه داشته باشد.

این چه ربطی به آن دارد؟ خب، بسیاری از خدایان باستانی، خدایان، مثلاً آفرودیت، فرقه بعل، در زمان اسرائیل، ادیان باروری بودند. در این دنیای باستان صلح کشاورزی وجود داشت. و افرادی که در آن نوع فرهنگ بودند، خدایانی داشتند که با باروری مرتبط بودند.

و معابد و مراسم مذهبی وجود داشتند که در آنها رابطه جنسی عملی برای پرستش آن خدا بود. شاید عجیب به نظر برسد، اما در مورد بعل و آفرودیت و دیگران، رابطه جنسی عملی برای پرستش آن خدا به

عنوان دعایی برای ایجاد باروری در رابطه با محصولات کشاورزی و هر آنچه که ممکن است به عنوان وسیله امرار معاش داشته باشید، بود. و بنابراین، برخی گفته‌اند که این شعار فقط به همین موضوع مربوط می‌شود، که آنها آزاداندیش بودند و در فرهنگی زندگی می‌کردند که به رفتن به معبد و داشتن رابطه جنسی مشروع عادت داشت، حتی اگر متأهل بودید.

شما یک همسر قانونی داشتید. این حتی به عنوان نقض حق همسر قانونی تلقی نمی‌شد، زیرا بخشی از آن دین در چارچوب آن بود. می‌توانید تصور کنید که این موضوع چگونه می‌تواند بر یک محیط فرهنگی تأثیر بگذارد.

برای ما سخت است که این را نادیده بگیریم، اما این موضوع بسیار رایج بود. این موضوع در قرن‌تس باستان حتی رایج‌تر بود، اما در قرن‌تس زمان پولس، هنوز وجود داشت. در کنار این متن، ایده ۱۲ تا ۲۰ در مورد این فاحشه‌ها آمده است.

این خارج از محیط کلیسا خواهد بود، اما به معبد منتهی می‌شود. برخی این را می‌بینند زیرا قبل از اینکه ما به شهرهای رومی نزدیک‌تر شویم، این موضوع کاملاً شناخته شده بود. بعد از خواندن آثار، صفحه ۸۳ بالا بعد از خواندن آثاری مانند وینتر، به نظر من بسیاری از تفاسیر در مورد این و احتمالاً سایر بخش‌های عهد جدید، گاهی اوقات فقدان کامل دانش از جهان یونانی-رومی را نشان می‌دهند.

آنها تصویری کلی از جهان یونان داشتند، اما نه چندان از مستعمره روم و جهان روم. به نظر می‌رسد که اکثر محققان عهد جدید در جنبش انجیلی به طور طبیعی به پیشینه‌های یهودی یا یونانی گرایش دارند، اما وقتی این پویایی وجود نداشته باشد، آنها به طور پیش‌فرض به قرائت سطحی از متن روی می‌آورند و در نهایت به دیدگاه‌هایی می‌رسند که ممکن است بهترین بازنمایی از متن نباشد. گاهی اوقات، کسی می‌آید و به ما کمک می‌کند تا آن را اصلاح کنیم، و من فکر می‌کنم وینتر این کار را کرده است، که ما را به دیدگاه دوم می‌رساند.

یا اینکه پولس با استفاده از این پند، اعتبار خود پند را انکار می‌کند؟ وقتی آنها گفتند همه چیز قانونی است، پولس گفت، نه، نه. ضربه متقابل او، اما نه همه چیز این است، اما نه همه چیز این است که مطمئناً کمی ملایم به نظر می‌رسد، اما یک ضربه متقابل است. حال، چگونه آنها می‌توانند در فرهنگی که ما در مورد آن فکر و صحبت کرده‌ایم، بگویند که همه چیز قانونی است؟ خب، نخبگان مستعد این بودند که در موقعیتی قرار بگیرند که بالاتر از اخلاق معمول، حتی آن فرهنگ، و به ویژه از تحمیل اخلاق جدیدی باشند که مسیحیت برای آنها به ارمغان می‌آورد.

وینتر اظهار نظر و نقل قول می‌کند که این ایده باید در اصل اخلاق سکولار منعکس شود، مبنی بر اینکه برای نخبگان، همه چیز مجاز است. به عبارت دیگر، به دلیل جایگاهشان، می‌توانستند هر کاری که دوست داشتند انجام دهند. آنها هیچ مرزی نداشتند.

این برای همه صادق نبود، اما برای نخبگان صادق بود. حالا، اینجا در یادداشت‌هایم، می‌گویم، یک نصیحت و پارادوکس‌های پولس که نسنجیده مطرح شده. این از جانب پولس بد اندیشیده نشده، بلکه از جانب آنها بد اندیشیده شده بود.

مطمئن باش منظورم رو می‌فهمی، باشه؟ خود پولس با تأکید این ضرب‌المثل را که این چیزها مجاز هستند رد کرد، که دو بار با استفاده از فعل مضارع قوی «اما» به آن استناد کرد. فعل مضارع یک حرف ربط است، اما در یونانی روش‌های مختلفی برای بیان آن وجود دارد، و «الله» قوی‌ترین روش برای بیان آن است. مجاز نیست.

این مجاز نیست. صرفاً به این دلیل که شما از جایگاه اجتماعی نخبگان برخوردار هستید، به شما آزادی ای که فکر می کنید داشتید و در زندگی قبلی خود داشتید، نمی دهد، آزادی ای که اکنون مسیحی هستید و چیزهای بهتری برای شما در نظر گرفته می شود. بنابراین، استدلال وینتر ادعا می کند که در پایین صفحه ۸۳، یک گروه کوچک اما به طور قابل توجهی تأثیرگذار از نخبگان اجتماعی وجود داشته است.

اینکه حتی در فصل های ۱ تا ۴ به عنوان حاکمان خردمند در میان مسیحیان قرن تس به آنها اشاره شده است. من تعدادی از منابع را در اینجا به آنها ارائه داده ام. آنها در آن زمینه بودند و این زمینه خوانده می شود، اما شما باید آن را با فکر کردن به آنها بخوانید.

این گروه بر امور کنترل داشتند و خود را خاص و مجاز به انجام کارها و داشتن آزادی هایی می دانستند که دیگران نداشتند. ثانیاً، نخبگان اجتماعی روم یک سیستم دو لایه از رفتار اخلاقی را توجیه می کردند. این امر ریشه در جهان بینی افلاطونی پیش از مسیحیت آنها داشت.

نقل قول از این، گفته می شود که بدن برای لذت مقدر شده است و روح جاودانه تحت تأثیر چنین رفتاری قرار نمی گیرد. جهان بینی افلاطونی، ماده و غیرمادی را از هم جدا می کند، بنابراین آنها این دیدگاه را داشتند، که ماده واقعاً بر غیرمادی تأثیر نمی گذارد. ممکن است بگویید این دیوانگی است، و جهان بینی ما می گوید بله همینطور است، اما طبیعی بود که آنها به دلیل تأثیر قوی افلاطونی، به ویژه نخبگانی که به این روشها آموزش دیده بودند، چنین فکری می کردند.

سوم، به افراد دارای جایگاه اجتماعی اجازه داده می شد. ضمناً، کلمه مجاز، همان فعلی است که پولس استفاده کرد و در ادبیات یونانی-رومی به خوبی آزمایش شده است، این اخلاق دوگانه را پس از حدود ۱۸ سالگی مجاز می دانست. حال، نکته بسیار مهمی وجود دارد.

(toga) «در سن ۱۸ سالگی، آن خانواده های صاحب منصب به فرزندان پسر خود نشان رومی» توگا ویریلیس اعطا می کردند تا ویروسی باشند. در فرهنگ ما، تبلیغات زیادی در تلویزیون برای چیزهایی مانند (virilis) ویاگرا وجود دارد، و هدف آن سالمندانی است که دیگر ویروسی نیستند، تا ظرفیت جنسی داشته باشند. در ۱۸ سالگی، هورمون ها به شدت افزایش می یابند، و در ۱۸ سالگی، این کودکان از جایگاه ویژه ای برخوردار می شدند.

از یک سو، این مراسم گذرگاهی به بزرگسالی قانونی بود، اما از سوی دیگر، بلیطی به جامعه شناسی نخبگان در یک محیط فرهنگی خاص بود که به عنوان ضیافت رومی شناخته می شود. در این محیط، یادداشت های زمستانی، منابع متعددی این ضیافتها را با سه سطح فعالیت به تصویر می کشند: خوردن، نوشیدن و عشق بازی. حال، اگر متون زیادی را در کتاب مقدس و جاهای دیگر خوانده باشید، چیزهای زیادی در مورد خوردن و نوشیدن شنیده اید، اما عشق بازی چیزی است که ممکن است با آن آشنا نباشید.

به تعدادی از نقل قول های وینتر گوش دهید. ممکن است این کتاب را نداشته باشید، بنابراین اجازه دهید تعدادی از این موارد را به شما توجه دهم. این موارد در صفحات ۹۰ و ۹۱ آمده است. نیکلاس دمشقی، در زندگی آگوستوس، می نویسد که در آن سن، یعنی سن آگوستوس، او نباید در مهمانی های مستی مردان جوان شرکت می کرد، نباید در مهمانی های مشروب خوری بعد از غروب می ماند، و نباید شام می خورد، و درست در زمانی که مردان جوان از نظر جنسی فعال هستند، از رابطه جنسی خودداری می کرد.

این یک بافت خانوادگی است و منعکس کننده اتفاقاتی است که با رسیدن بلوغ و فعال شدن جنسی این مردان جوان رخ می داد. در آن، وقتی فرد بالغ به سن ۱۸ سالگی می رسید، این نقل قولی از گزنفون است، فرد

بالغ ۱۸ ساله معمولاً حق پذیرش دعوت برای نشستن را پیدا می‌کرد، که مترادف ضیافت است. او به اندازه کافی بالغ در نظر گرفته می‌شد تا با پیشنهادهای جنسی کنار بیاید.

او در ادامه می‌گوید هرکول به سن بلوغ رسیده است که معادل دریافت توگا است و او آزادی انتخاب دارد و باید بین لذت خوردن، آشامیدن، عشق‌بازی و کار طاقت‌فرسا یکی را انتخاب کند. به عبارت دیگر، شما به مهمانی می‌روید یا به کار. سیسرو در مورد کسانی که با این دیدگاه مخالف بودند نوشت که این کار مجاز است.

او از لاتین استفاده می‌کند، اما توجه داشته باشید که در رابطه با شعاری که ما بررسی کرده‌ایم، مجاز است بنابراین، یک زمینه تاریخی وجود دارد. اگر کسی فکر می‌کند که جوانان باید روابط جنسی ممنوع داشته باشند، حتی با فاحشه‌ها، که کسانی هستند که به ضیافت‌ها می‌آمدند، اینها بودند، می‌توانید آنها را فاحشه‌های حرفه‌ای بنامید، اما آنها در جامعه جایگاه خاصی داشتند تا در پایان آن ضیافت‌ها به نخبگان خدمت کنند.

او بدون شک بسیار زیرک است، اما دیدگاه او نه تنها با پی‌بندوباری این عصر، بلکه با آداب و رسوم و امتیازات اجداد ما نیز مغایرت دارد. چه زمانی این یک رسم رایج نبود؟ چه زمانی مورد سرزنش قرار می‌گرفت؟ چه زمانی ممنوع بود؟ در واقع، چه زمانی بود که آنچه مجاز است، مجاز نبود؟ به عبارت دیگر، این عذرخواهی برای پذیرش ضیافت‌هایی است که در آن فعالیت جنسی در پایان ضیافت پس از خوردن و آشامیدن انتظار می‌رود و هنجار است. نکته قابل توجه این است که پلوتارک، در سخنرانی خود در مورد گوش دادن به سخنرانی‌ها، به نیکانتر جوان که به بزرگسالی رسیده بود، می‌نویسد: «حالا که دیگر تابع اقتدار نیستید، به جای کودک، بالغ شده‌اید و این ردای مردانه را به تن کرده‌اید، همان چیزی که ما در مورد آن صحبت می‌کردیم، ردای مردانه.» او در ادامه توضیح می‌دهد که مردان جوان، هنگامی که لباس کودکی را کنار می‌گذارند، فوراً پر از سرکشی می‌شوند و ما می‌دانیم که این به چه معناست.

بنابراین، این مشکل زنا در رابطه با ضیافت‌ها، امری عادی برای آن جامعه بود. جوونال مشاهده می‌کند که چگونه یک جوان می‌تواند بوی شکم‌پرستی را از پدرش بیاموزد. کوویویوم رومی، که همان ضیافت است، درجه‌ای از انحطاط را نه تنها با لذت‌های کام، بلکه با بالش نیز مرتبط می‌دانست.

ضیافت‌های رومی، که بخشی از مستعمرات رومی مانند کورینت بودند، رایج بودند، اما دسترسی به آن ضیافت‌ها امتیاز نخبگان اجتماعی، کسانی که جایگاه اجتماعی داشتند، بود. آن ضیافت‌ها برای خوردن نوشیدن و عشق‌بازی بودند. ما جام‌های باستانی از آن فرهنگ باستانی پیدا کردیم و وقتی ته یک جام را می‌بینید، چهره خدایان شراب را می‌بینید.

به عبارت دیگر، چیزی شبیه به یک ایستگاه کامیون است، جایی که یک فنجان برمی‌دارید، و به ته فنجان می‌رسید، و عکسی از چیزی روی آن است. خب، آنها این را در دنیای باستان هم داشتند. این ضیافت‌های رومی توجیهی بودند برای آزادی مطلق و بدون مرز.

و این هسته مشترک نخبگان در قرن‌تس بود. حالا گوش کنید، وقتی این افراد با این دین جدید روبرو شدند حتی با اینکه فکر می‌کردند امتداد یهودیت است، و حتی وقتی آن را پذیرفتند، فکر می‌کنید ترک عادات و الگوهای خودشان چقدر برایشان آسان بود؟ همین الان به شما می‌گویم، کنار گذاشتن آن کار آسانی نبود زیرا به هر جنبه نفسانی انسان از نظر خوردن، آشامیدن و عشق ورزیدن می‌پردازد. این نوع دنیایی بود که آنها در آن زندگی می‌کردند.

و آن عبارت، همه چیز مجاز است، به احتمال زیاد عبارتی توجیه‌کننده برای نخبگان بود. و همچنین به این سوال ضیافت مربوط می‌شود. بنابراین، نکته این بود که پولس به هیچ وجه نظر عقل سلیم را نمی‌پذیرفت.

نه، همه چیز قانونی نیست. همه چیز مجاز نیست. مرزهایی وجود دارد.

و مرزهایی برای قضاوت خوب وجود دارد، و مرزهای اخلاقی نیز وجود دارد. پولس در فصل‌های ۵ و ۶ و سپس فصل ۷ در مورد این مسائل، تغییراتی را مطرح کرد. او با تأکید این شعار را رد کرد.

استدلال ویتز ادعا می‌کند که وجود داشته است، و این تکراری است، اما نکته را متوجه می‌شوید: یک گروه کوچک اما به طور قابل توجهی تأثیرگذار از نخبگان اجتماعی، خردمندان در میان مسیحیان قرن‌تی، وجود داشتند. ثانیاً، نخبگان اجتماعی رومی این سیستم دو سطحی از رفتار اخلاقی را توجیه کردند. و این در جهان بینی افلاطونی آنها از مادی و غیرمادی ریشه داشت.

سوم اینکه، این ردایی که در سال ۱۸ به کودکان داده می‌شد، آنها را به این ضیافت‌ها می‌آورد. خوردن نوشیدن و عشق‌بازی از هنجارهای این ضیافت‌ها بود. تا سرحد پرخوری بخورید، تا سرحد مستی وحشتناک بنوشید و در پایان همه اینها با زنان حرفه‌ای عشق‌بازی کنید.

و مردان جوان را به این فسق و فجور شهوانی می‌کشاندند و عملاً آنها را جشن می‌گرفتند. این بخشی، بخش قابل قبولی از قرن‌تس رومی بود. ویتز این پیشینه ضیافت رومی را با تعدادی از کلمات و عباراتی که پولس در آیات ۱۲ تا ۲۰ از ۶:۱۲ استفاده می‌کند، مرتبط می‌داند.

بنابراین وقتی برای اولین بار آیات ۶:۱۲ تا ۲۰ را می‌خوانید، احساس می‌کنید که از بخش‌های اولیه‌ی آیات ۵ و ۶ جدا شده‌اید، اما اینطور نیست. شما هنوز در مورد طرز فکر افراد صاحب‌منصب، نخبگان، صحبت می‌کنید که اخلاق را از هم جدا می‌کردند، اخلاق خودشان، اخلاق کتاب مقدس. آنها به دو بخش کردن چیزها، مادی و غیرمادی، عادت داشتند و به سبک زندگی خود ادامه می‌دادند.

و پولس می‌گوید که باید این را کنار بگذارید. این امکان‌پذیر نیست. این قابل قبول نیست.

، جوونال نظر داد، و فکر می‌کنم این را برای شما نقل کردم، درجه‌ای از انحطاط در صفحه ۸۴ در بالا درجه‌ای از انحطاط که نه تنها با لذت کام، بلکه با لذت بالش نیز در طنز نوشتاری او مرتبط است. سند جالب دیگری نیز وجود دارد، پلوتارک مورالیا، شماره ۲، ۱۴۰، ۱۶. بگذارید از این موضوع مثالی بزنم که این امر چقدر در فرهنگ آنها رایج بوده است.

خیلی خب. یک مرد جوان که می‌گوید اوایل بیست سالگی‌اش است، ازدواج می‌کند. او یک همسر دوست‌داشتنی دارد، و آنها بچه اولشان را هم داشته‌اند، شاید هم بچه اولشان را

زندگی فوق‌العاده‌ای دارد. خانه دارد. وسیله‌ی کسب درآمد دارد و او و پدرش مهمانی‌ای دارند که به آن می‌روند.

همسرش، در این جامعه مردسالار، دوست داشت به او بگوید، «نمی‌توانی بروی»، اما این هرگز عملی نمی‌شد. بنابراین، او نسبت به آن بی‌تفاوت ماند. حتی وقتی آنها ازدواج کردند، این مسائل مطرح بود.

پلوتارک این نظر را در بند ۱۶ بیان می‌کند. همسران قانونی پادشاهان پارسی هنگام شام در کنار آنها می‌نشینند و با آنها غذا می‌خورند. و اینها در ضیافت‌ها هستند.

این ضیافت‌ها، می‌بینید که یونانی‌ها آن را از ایرانیان گرفتند و با خود آوردند. رومی‌ها آن را از یونانی‌ها گرفتند. این یک سنت دیرینه در مورد این ضیافت‌ها است.

وجود دارد. آنها در ضیافت‌ها می‌نشینند و با آنها غذا می‌خورند. اما وقتی پادشاهان می‌خواهند خوش بگذرانند و مست شوند، همسران خود را می‌فرستند.

بنابراین، همسران قانونی در یک نقطه خاص از ضیافت خارج شدند و به خانه فرستاده شدند. آنها همسران خود را فرستادند و دختران و صیغه‌های خود را به دنبال خود فرستادند، تا جایی که در کاری که انجام می‌دهند حق دارند، زیرا هیچ سهمی در هرزگی و فسق خود به همسران متاهل خود نمی‌دهند. بنابراین، اگر مردی در زندگی خصوصی که در مورد لذت‌هایش بی‌بندوبار و فاسد است، چنین اعمال وحشتناکی را با معشوقه یا خدمتکار انجام دهد، همسر متاهل او نباید خشمگین یا عصبانی شود، بلکه باید استدلال کند که به احترام اوست که او را به اشتراک گذاشتن فسق و فجور خود با زن دیگری سوق می‌دهد، نه اینکه او را شرمند کند.

اینجا با چه منطقی سر و کار داریم؟ اما آن دنیای قرن‌تس رومی بود. آن طرز فکر بود. آن بخشی از این ضیافت‌ها بود.

قرار است دوباره در فصل دهم ضیافت‌ها را ببینیم. و اتفاقاً، اینجا جایی است که تکرار همه چیزهای مجاز را داریم. این تکرار به همان شکلی که اینجا آمده، اتفاق نمی‌افتد، اما از بین هم نمی‌رود.

عباراتی بین ۱۲ تا ۲۰ وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند. ما فقط در مورد همه چیزهایی که مجاز هستند صحبت کرده‌ایم. غذای دیگری برای معده و معده برای غذا در نظر گرفته شده است.

این به احتمال زیاد یک شعار دیگر است. پولس آن را کنار می‌گذارد. بدن برای فساد جنسی ساخته نشده است.

در ضیافت، مسئله‌ی عشق‌ورزی وجود دارد. بدن‌های شما اعضای مسیح هستند، نه اعضای یک فاحشه. بنابراین، منظور ما فاحشه‌ی معبد نیست.

این معشوقه‌ها هستند که می‌آیند و خود را وقف خدمت به این مردان در این ضیافت‌ها کرده‌اند. از بی‌عفتی جنسی - گنا‌هانی علیه بدن خود - بگریز.

بدن، معبد روح القدس است. حال، به این فکر کنید که چگونه در فصل‌های پنجم و ششم بر جامعه تمرکز شده است. این فقط افراد نیستند که مورد تجاوز این الگوی اجتماعی قرار گرفته‌اند، بلکه بدن نیز مورد تجاوز قرار گرفته است.

همه آنها عادت داشتند، اما حالا پولس می‌گفت، باید از آن صرف نظر کنید. باید از آن صرف نظر کنید. خوب، این کار به دلایل زیادی آسان نخواهد بود، نه فقط به خاطر شهوت آن، بلکه به این دلیل که تجارت در جریان بود.

نخبگان اجتماعی در شهر قدرت داشتند، و وقتی به دلیل اخلاق مسیحی خود شروع به کنار گذاشتن سایر افراد قدرتمند خود می‌کنند، چگونه این [اخلاق] می‌تواند ادامه پیدا کند؟ خوب، می‌توانید تصور کنید. این [اخلاق] مستلزم فداکاری بود. شاید مستلزم دست کشیدن از نخبه بودن و جایگاه اجتماعی‌شان بود.

این به معنای شرمساری از گناهشان است، گویی به خاطر انجیل. اینها مسائل کوچکی نیستند، و با این حال فکر نمی‌کنم که ما شروع به بررسی عمق استرسی که در اینجا وجود داشت، کنیم، زیرا ما این متون را سطحی خوانده‌ایم، نه اینکه فرهنگ مستعمراتی رومی را که در قرن اول با فرهنگ مسیحی در تضاد بود، درک کنیم. بنابراین، نظر من در انتهای صفحه ۸۴، اگر بازسازی زمستان درست باشد، پس آیات ۱۲ تا ۲۰ بیشتر مربوط به ضیافت است تا فاحشه خانه.

اگر لطف کنید، فاحشه‌خانه به ضیافت بیاید. پس شعار این است. حالا، نکته‌ی بعدی من در ادامه‌ی این است.

گفتم، مذاکرات پاول دو. حالا، احتمالاً دیگر نمی‌خواهم این را به این شکل بگویم چون آن دیدگاه اول می‌شود. این یک دیدگاه به یک شکل بیان می‌شود، و در یک مقطع از سفرم، هنوز هم در آن دیدگاه رایج بودم.

من به دیدگاه دوم تغییر جهت داده‌ام. بنابراین، روشی که الان می‌توانم بگویم، اظهارات متقابل پولس است. او با شعار مقابله می‌کند.

او فقط سعی نمی‌کند شعار را تلطیف کند. فکر می‌کنم حالا می‌توانید منظورم را بفهمید. بندهای پاسخ به همه چیز مجاز است «در مقایسه با معنای احتمالی این عبارت، آرام به نظر می‌رسند»

اما وقتی کسی می‌فهمد که چگونه پولس در آیات ۱۲ تا ۲۰ از باب ۶، اصول فلسفی اخلاق دوگانه‌ی نخبگان را تضعیف می‌کند، مشخص می‌شود که پولس نماینده‌ی یک تضاد بسیار بسیار بزرگ در جهان‌بینی‌ها بوده است. این تضاد در هیچ سطحی نه مصلحت‌آمیز است، نه سودمند، نه سودآور و نه سودمند. آزادی مسیحی باید با توجه به دیگران محدود شود.

سن ۸۵. حداقل، پاول به دنبال تغییر در جهان‌بینی‌اش است. باید از این ضیافت دست بکشی.

خب، این برای آنها واضح بود. به نظر نمی‌رسد برای ما آنقدر واضح باشد، و ممکن است بگویید، خب، چرا اینطور نگفتی؟ او نیازی به این کار نداشت. هر دوی آنها درک مشترکی از کلیسای قرن‌تس روم، از جایگاه اجتماعی، و از خوردن، آشامیدن و عشق ورزیدن داشتند، که در آن ضیافت به کار می‌رفت.

«پولس می‌گوید من برده هیچ چیز نخواهم شد. پولس با آوای افعال یونانی «مجاز» و «مغلوب نخواهد شد. بازی می‌کند. کمی هم بازیگوشی می‌کند».

شما نمی‌توانید این را بفهمید مگر اینکه یونانی را بخوانید و علامت ضربدر را که با دو کلمه شروع می‌شود، ببینید. من قرار نیست قربانی این حکم شوم، چیزی بود که پولس می‌گفت. خب، پولس یهودی بود.

آیا او از جایگاه ممتازی برخوردار بود؟ همانطور که می‌بینید، به عنوان یک رومی، به نظر می‌رسد خانواده‌اش در تارسوس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. پولس آزاد به دنیا آمد. او این جایگاه را به دست نیاورد.

او آزاد به دنیا آمد. آیا از یک خانواده نخبه بود؟ این موضوع کل این ماجرا را عمیق‌تر می‌کند. من قرار نیست قربانی این حکم شوم.

می‌دونی، این یه عبارت کوتاه و جذابه که باید ازش استفاده کنی چون شاید این نباشه، اما آدم دائماً با جملات کلیشه‌ای از طرف آدم‌هایی مواجه می‌شه که می‌خوان تو از اخلاق مسیحی‌ات منحرف بشی. فقط تو چشم‌هاشون نگاه کن و بگو، من قربانی حرف تو نمی‌شم و می‌رم. خب، نقد این شعار

حالا، پولس به تشریح دیدگاه مسیحی در مورد بدن می‌پردازد. این سخنرانی ممکن است فقط حدود ۱۵ دقیقه بیشتر از آنچه من انجام داده‌ام طول بکشد، اما می‌خواهم فصل ششم را تمام کنم. باید این کار را بکنم، اما نمی‌خواهم شما را با این بخش آخر معطل بگذارم.

پولس در آیات ۱۳ تا ۲۰ از باب ۶، دیدگاه مسیحی در مورد بدن را ترسیم می‌کند. اول از همه، در آیه ۱ الف، پولس تأیید می‌کند که اقتدار بر بدن فیزیکی در نهایت به تعریف خدا از بدن فیزیکی بستگی دارد. بسیاری از اوقات، جوانان به دلیل رابطه جنسی دچار استرس می‌شوند. ما می‌توانیم این را درک کنیم.

خدا ما موجودات جنسی را خلق کرد، و وقتی آن هورمون‌ها شروع به ترشح می‌کنند و با محدودیت‌های مسیحی مواجه می‌شوند، اولین سوالشان این است که چرا؟ چرا انجام این کار برای من اشکالی ندارد؟ می‌گویند من بچه‌دار نمی‌شوم، یا هر چیز دیگری. چرا نمی‌توانم این کار را انجام دهم؟ این فقط یک عمل بیولوژیکی است. خب، واقعاً فقط یک پاسخ برای این سوال وجود دارد.

خداوند در اخلاق یهودی-مسیحی مرزها را تعیین کرده است، و وقتی مرزها تعیین شدند، دیگر قابل مذاکره نیستند. و مهم نیست که امیال چقدر قوی باشند، جهان‌بینی ما باید بر شهوت ما غلبه کند. می‌بینید، کلمه شهوت چیزی جز کلمه میل شدید نیست.

شهوت یک اصطلاح احساسی قدرتمند است. جالب اینجاست که در اول تیموتائوس ۳ آمده است که اگر کسی آرزوی مقام اسقفی را داشته باشد، آرزوی کار خوب را دارد. در واقع در آنجا از کلمه شهوت استفاده شده است.

همین کلمه در متون دیگر به عنوان شهوت ترجمه می‌شود. اگر کسی قوی‌ترین امیال را دارد، اگر هوس کشیش شدن دارد، خب، این روش خوبی برای گفتن آن نیست. خب، اینطور نیست زیرا این جنبه منفی آن اصطلاح است.

جنبه مثبت صرفاً یک میل شدید است. و بنابراین، پولس تأیید می‌کند که اقتدار بدن فیزیکی در دست خداست، در دست وحی کتاب مقدس، در دست تعریف خداست. خدا اخلاق جنسی را در هر سطحی تعریف کرده است.

و کتاب مقدس، اگرچه ممکن است چیزهای زیادی در مورد همه چیز نگوید، اما به اندازه کافی می‌گوید که الگوهای کتاب مقدس در مورد تمایلات جنسی واضح هستند. و در فرهنگ‌های ما، ما این را دوست نداریم. ما می‌خواهیم از یک کتاب مقدس محدودکننده آزاد شویم.

ما می‌گوییم که این قدیمی است، عتیقه است و غیره. خب، این یک عتیقه است که مدت زیادی به ما خدمت کرده است. بنابراین، او دیدگاه مسیحی نسبت به بدن را ترسیم می‌کند.

او این اقتدار را بر بدن فیزیکی تأیید می‌کند. از دیدگاه کتاب «بازسازی زمستانی» این عبارات به عنوان تأییدی بر خوانش پولس و انتقاد از دوگانگی فرضی رومی بدن و روح در فعالیت‌های جنسی تلقی می‌شوند. شما نمی‌توانید بدن و روح، فیزیکی و غیرمادی را از هم جدا کنید.

ما یک نفر هستیم. نمی‌توانید این دسته‌ها را از هم جدا کنید. در مورد غذا و پورنوآ، پورنوآ کلمه‌ای برای زنا است که گسترده‌ترین اصطلاح برای فساد جنسی است و با سوءاستفاده‌ای که افراد صاحب‌منصب در یک ضیافت رومی مرتکب می‌شدند، مرتبط است.

در جهان بینی مسیحی هیچ دوگانگی وجود ندارد. شما نمی‌توانید این چیزها را مانند آنها از هم جدا کنید. و این یک جدایی طبیعی از جهان بینی آنها بود، آن ضیافت رومی و امور فیزیکی و غیرمادی.

البته این عشق ورزیدن است که عملی زیبا و لذت‌بخش برای هر دو طرف انجام می‌دهد. پس چطور می‌تواند اشتباه باشد؟ خب، تنها پاسخ این است که خداوند زمینه‌ای را آشکار کرده که در آن یا قابل قبول و زیباست یا زشت و خارج از محدوده. فرهنگ ما به اعماق بسیار پایینی رفته است.

فاچاق انسان در سراسر جهان کاملاً رایج، بسیار خوشونت‌آمیز، بسیار وحشتناک است. سوءاستفاده از زنان تجاوز جنسی. دانشگاه‌ها به بی‌بندوباری جنسی آلوده شده‌اند، نه فقط با همکاری و رضایت طرفین، بلکه تجاوز جنسی حتی در بهترین دانشگاه‌ها نیز رواج دارد.

و اگر تجاوز جنسی نباشد، ارباب برای پذیرفته شدن در اصناف و جوامع مختلف آن را ایجاب می‌کند. مسیحیان باید در مقابل آن بایستند، و ما نیز رنج خواهیم برد. مضمون بدن پولس در آیات ۱۳ تا ۲۰ از باب ۶، انسان‌شناسی افلاطونی را به باد انتقاد می‌گیرد.

برای پولس، اعمال بدن درجه‌ای به سوی روح هستند. این موضوع در اول قرن‌تین ۱۵، باب ۲ الف، دوباره بررسی شده است.

پولس جایگاه تقدس بدن را از دیدگاه خداوند توصیف می‌کند. ساختار یونانی آیات ۱۵ تا ۶:۲۰ پیرامون سه سؤال مطرح شده با عبارت «آیا نمی‌دانی؟» شکل گرفته است. من این سؤالات را لحظاتی پیش در آیات ۱۵ تا ۶:۲۰ برایتان ذکر کردم. آیه ۶:۱۵ با «آیا نمی‌دانی؟» شروع می‌شود.

و سومی را جایی آنجا گم کرده‌ام، اما آن را اینجا در یادداشت‌هایم دارم، باشه؟ نمی‌دانی؟ شکل جمع، ۶:۱۹: شما «در سراسر این بخش نشان می‌دهد که پولس با کلیسا به عنوان یک واحد صحبت می‌کند، اگرچه» واحدهای جداگانه آن کل را تعیین می‌کنند. می‌بینید، ضمیر «شما» در یونانی می‌تواند مفرد یا جمع باشد، و در این مورد، جمع «شما» است.

او دارد با جامعه صحبت می‌کند. ۱. بدن در ارتباطش با خدا مقدس است.

پاسخ پولس به دو سؤال از آیه ۱۵ باب ۶ که تازه شروع به خواندن آنها کردیم. اولاً، آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما اعضای خود مسیح هستند؟ پس آیا اعضای مسیح را بردارم و آنها را با یک فاحشه متحد کنم؟ به عبارت دیگر، هرزگی جنسی. و پاسخ منفی است.

استفاده meganoita پولس به آن دو سوال پاسخ می‌دهد و می‌گوید نه تنها می‌گوید نه، بلکه از عبارت می‌کند، به این معنی که شاید هرگز اینطور نشود، شاید اینطور نشود. این قوی‌ترین راه برای گفتن نه است. دوم، آیا نمی‌دانی که بدن با اتصالات اشتباه نقض می‌شود؟ ۶:۱۶ و موارد بعدی.

اینجاست. من بینایی‌ام را از دست دادم. مگر نمی‌دانی؟ ۶:۱۶. پس، روی آن دو، آن سه پارک کن، مگر نمی‌دانی؟ بدنه با اتصالات اشتباه نقض شده است.

پولس ایده ازدواج مبنی بر تبدیل شدن دو نفر به یک بدن را برای افزایش شدت گناه جنسی به کار می‌برد. من در فصل هفتم کمی بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهم کرد، اما آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید که مردم چه زمانی ازدواج می‌کنند؟ واعظ می‌گوید که این دو نفر یکی خواهند شد. کتاب مقدس این را می‌گوید

آن دو یکی خواهند شد. واعظ اعلام خواهد کرد که حالا که شما دو نفر هستید، یکی شده‌اید. خوب، در آن لحظه چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا دودی در محراب بلند می‌شود و دو بدن به یک بدن و دو سر تبدیل می‌شوند یا چیزی شبیه به این؟ نه، این یک استعاره است.

استعاره برای چیست؟ استعاره «دو نفر یکی خواهند شد» استعاره‌ای از خویشاوندی است. وقتی دو نفر ازدواج می‌کنند، با یکدیگر خویشاوند می‌شوند. آنها با هم خویشاوند می‌شوند.

چگونه آنها با هم مرتبط می‌شوند؟ در درجه اول از طریق عمل جنسی به اشتراک گذاشتن مایع منی. خداوند مقدر کرده است که این کار شما را با آن شخص دیگر یکی می‌کند. و بنابراین، گناه جنسی به اشتراک گذاشتن مایع منی با یک فاحشه یا با یک معشوقه از هر نوع، ناقض چیزی است که خداوند به عنوان یکی شدن دو نفر به دلیل تبدیل شدن شما به بخشی از آن شخص دیگر، طراحی کرده است.

حالا، شما از این نظر چندم سری هستید. پولس ایده ازدواج دو نفر را که تبدیل به یک بدن می‌شوند، برای افزایش شدت این گناه جنسی به کار می‌برد. اتحاد جنسی و تبادل مایعات آن از نظر جسمی و پزشکی قانونی، اتحاد جدیدی ایجاد می‌کند.

حتی علم مدرن خاطرنشان می‌کند که شرکای جنسی در نتیجه این تبادل برای همیشه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، چه رسد به شیوع بیماری. این حکم که هر گناهی که یک مرد مرتکب می‌شود صرفاً نشان‌دهنده جدیت تخلفات اتحادیه جنسی است. به عبارت دیگر، خارج از بدن، درون بدن.

این گناهی است که پیامدهای پزشکی قانونی دارد. این عبارت همچنین از دیدگاه غیر دوگانه بین مادی و غیرمادی در تفکر مسیحی پشتمبانی می‌کند. سوم، آیا نمی‌دانی که بدن تو معبد روح خداست؟ این هم استعاره دیگری است.

این استعاره‌ای برای فضای مقدس است. درست همانطور که معبد عهد عتیق مکانی بود که خدا در آن ساکن بود، شما مکانی هستید که خدا در آن ساکن است. می‌بینید، وقتی کلیسا گرد هم می‌آید، این ساختمان نیست که کلیسا را می‌سازد. این مردم هستند که کلیسا را می‌سازند.

ما معبد خدا هستیم. چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی. کتاب مقدس در واقع از هر دو ایده فردی و جمعی استفاده می‌کند.

رومیان ۸، ۹ تا ۱۱. مسیح در شماست، روح در شماست. اول قرن‌تین ۳. کلیسا به طور کلی معبد خداست.

جایی که اکنون هستیم، ۶۱۹، شما به صورت جداگانه معبد خدا هستید. این استعاره از فضای مقدس در جاهای متعددی از عهد جدید استفاده شده است. بنابراین، توصیه نهایی پولس در مورد این گناهان جنسی بی‌بندوباری نخبگان قرن‌تس که در هر سطحی از اخلاق تخلف کرده‌اند، چیست؟ خوب، این در آیات ۱۸ تا ۲۰ آمده است.

از فساد جنسی فرار کنید. مانند یوسف از آن فرار کنید. یوسف بینی قهوه‌ای داشت

او خیلی از مشکلاتش را به خاطر این درست می‌کرد که مورد علاقه‌ی پدرش بود، و از این موضوع استفاده می‌کرد. باورتان می‌شود. چه متن چیز زیادی در موردش به شما بگوید چه نه، این طبیعت انسان است. برادرانش از او عصبانی شدند.

او از موقعیت ممتاز خود استفاده کرد. پدر اشتباه کرد، یوسف اشتباه کرد. اما یوسف مرد خوبی بود.

او وقتی از همسر پوتیفار فرار کرد، از نظر اخلاقی بسیار استوار بود. از فساد جنسی بگریزد. تمام گناهان دیگری که انسان مرتکب می‌شود، خارج از بدن اوست، اما هر که مرتکب گناه جنسی شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند، زیرا دو نفر یک تن می‌شوند.

آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما معابد روح القدس هستند که در شماست و او را از خدا دریافت کرده‌اید؟ شما مکان مقدسی هستید. شما از آن خودتان نیستید. شما به قیمتی خریداری شده‌اید.

بنابراین، با بدن‌هایتان به خدا احترام بگذارید. بنابراین، اول قرن‌تین ۵ و ۶ به تغییرات در مسئله ضیافت و امتیاز ویژه نخبگان اشاره می‌کند که به موجب آن فکر می‌کنند هر چیزی برای آنها مجاز است، حتی گناهان جنسی طبق تعریف مسیحی. و پولس می‌گوید، نه، نه، نه، نه، نه، شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

شما باید خودتان را از این انحرافات فرهنگی از اخلاق مسیحی جدا کنید. این کار آسان نخواهد بود، و برخی از شما ممکن است در فرهنگ‌هایی در نقاط مختلف و دورافتاده این کره خاکی باشید. شما با همان نوع مسائلی در فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌های خودتان روبرو هستید که گناهان جنسی را مشروع می‌دانند. و به عنوان یک مسیحی، شما نمی‌توانید در آنها شرکت کنید.

نه گفتن آسان نیست، اما باید از خدا کمک بگیرید و شجاعت اخلاقی لازم برای مسیحی بودن در شرایط خودتان را پیدا کنید. باشد که خدا به تک تک ما کمک کند، زیرا بدون کمک خدا، همه ما از نظر اخلاقی شکست خورده‌ایم. باشد که خدا به ما کمک کند، این دعای ما به نام عیسی است.

این سخنان دکتر گری میدورز در تدریسش در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این جلسه ۱۷، پاسخ پولس به گزارش‌های شفاهی، اول قرن‌تین ۶: ۷-۲۰ است.